

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

بهرام اخوان کاظمی^{۱*}

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۳

الله کرم مشتاقی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۷

چکیده

سؤال اصلی این نوشتار پرسش از دلایل و ریشه‌های درون‌زا و برون‌زای بیداری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری است که با استفاده از روش تحلیل اسنادی نگاشته شده است. به همین دلیل علاوه بر بررسی دیدگاه‌های ایشان، از آراء برخی از اندیشمندان اسلامی نیز بهره‌گیری شده است. از جمله نتایج این پژوهش آن است که عنوان بیداری اسلامی مفهومی است که بنا به ملاحظات تاریخی، فرهنگی و هویتی، بهتر می‌تواند حوادث و رخداد‌های منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را تحلیل و تبیین کند. ضمن آنکه علل و ریشه‌های این بیداری و تحولات مرتبط در خاورمیانه و شمال آفریقا را باید در دو گروه عوامل درون‌زا، یعنی "مسائلی" همچون شکست الگوهای غیراسلامی و رشد اسلام خواهی، احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی، تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری و جهادی و جریان‌ساز اسلامی و عوامل برون‌زا، یعنی "حوادثی" از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران، پیشینه استعماری و حضور قدرت‌های غربی در منطقه، بحران فلسطین و وجود حکومت‌های فاسد، غرب‌گرا و غیرمردمی پی‌جویی کرد.

واژه‌گان کلیدی: بیداری اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، هویت اسلامی، انقلاب اسلامی ایران.

۱. * دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول: kazemi@shirazu.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا دانشکده روابط بین‌الملل

مقدمه

تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی ریشه در واقعیات تاریخی، تمدنی و فرهنگی دارند. این مسئله در دنیای اسلام و به خصوص منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به دلیل برخورداری از سابقه تمدنی و هویت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این منطقه علاوه بر آنکه محل تلاقی تمدن‌های کهن باستانی و ادیان بزرگ توحیدی است، به دلیل اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک و مسئله انرژی از دیرباز کانون تحولات و توجهات قدرت‌های بزرگ بوده است.

آنچه امروز پهنه وسیعی از خاورمیانه و شمال آفریقا را دربر گرفته و با عنوان بیداری اسلامی از آن یاد می‌شود، حوادثی بریده از ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و فکری نیستند، بنابراین بررسی و ارائه تحلیل صحیح از رخداد‌های اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا مستلزم مطالعه دقیق تاریخ تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این منطقه به‌ویژه در قرن اخیر است. برخی از اندیشمندان، رخداد‌های کنونی را حاصل شکاف‌هایی می‌دانند که قدمت آن‌ها به چند قرن پیش بازمی‌گردد.

پژوهش پیش‌رو تلاش دارد تا ضمن پاسخ به سؤال اصلی این نوشتار، یعنی پرسش از "دلایل و ریشه‌های درون‌زا و برون‌زای بیداری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری"، به سؤالات فرعی زیر نیز پاسخ گوید:

- هویت اسلامی مردم منطقه و تحقیرهای وارده از سوی استعمار و حکومت‌های دست‌نشانده چه تأثیری بر نضج و رشد قیام‌های اسلامی اخیر داشته است؟
- بحران فلسطین و وقوع انقلاب اسلامی چه نقشی در استمرار جریان‌های اسلامی داشته‌اند، و قدرت‌های مداخله‌گر به چه میزان موجبات تسریع روند اسلام‌گرائی و احساسات ضدغربی - ضدصهیونیستی را فراهم آورده‌اند؟
- میان حکومت‌های دست‌نشانده غیرمردمی عربی، تجمیع سرخوردگی‌ها و درنهایت تلاش برای بازگشت به هویت اسلامی چه پیوندی وجود دارد؟
- شایان ذکر است بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مفهومی

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

جدید محسوب نمی‌شود و ماحصل تحولات اخیر نیست و معظم‌له پیش از این در سخنان خود بارها این واژه را تکرار کرده‌اند. بیداری اسلامی به صورت موجز و مختصر در نگاه مقام معظم رهبری عبارت است از:

ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر می‌شود (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶). سخن از بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

ایشان به کاربردن واژه‌ها و مفاهیم مناسب و جامع و اسلامی برای مفاهیمی مانند «بیداری اسلامی» و عدم وام‌گیری از واژگان غربی در این باره را برای توضیح و تحلیل صحیح مسائل و تحولات لازم دانسته و معتقدند در این زمینه اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفته شود، فضا آشفته خواهد شد و مطلب ناگفته خواهد ماند (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲).

در نوشتار حاضر تلاش شده است مواردی همچون شکست الگوهای غیراسلامی، رشد اسلام‌خواهی، احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی و تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری و جهادی و جریان‌ساز اسلامی ذیل عنوان عوامل درون‌زا و مواردی از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران، استعمار و حضور قدرت‌های غربی در منطقه، بحران فلسطین و وجود حکومت‌های فاسد، غرب‌گرا و غیرمردمی تحت عنوان ریشه‌های برون‌زای بیداری اسلامی، با تکیه بر دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی بررسی شوند.

الف- مبانی نظری و روش

پژوهش حاضر که با استفاده از روش تحلیل اسنادی نگاشته شده است سعی دارد به بررسی ریشه‌های تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا با تأکید بر دیدگاه‌های مقام

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

معظم رهبری پردازد. به همین دلیل علاوه بر بررسی سخنرانی‌های معظم‌له طی ۲۲ سال رهبری ایشان، نوشتارها و اسناد مکتوب متعددی بررسی شده‌اند و در این راستا از آراء برخی از اندیشمندان اسلامی نیز بهره‌گیری شده است.

شایان ذکر است به دلیل نقش برجسته مفاهیمی همچون هویت، فرهنگ، ایدئولوژی، تاریخ و تمدن و تأثیر آن‌ها در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، شاید سطح تحلیل کلان از روایی بیشتری برای تحلیل صحیح رخداد‌های منطقه برخوردار باشد. با این وجود بررسی ریشه‌های بیداری اسلامی با استفاده از مفاهیم و تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز ممکن است که از آن جمله می‌توان به تقسیم‌بندی مبتنی بر عوامل سیاسی، فرهنگی، تاریخی و... غیره اشاره کرد. همچنین می‌توان آن‌ها را بر مبنای علل و عوامل با ریشه‌های تاریخی طولانی‌مدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت جدا کرد و یا آن‌ها را به دو دسته عوامل ارزشی- هویتی و محیطی- تاریخی نیز تقسیم‌بندی کرد. با وجود مزیت‌هایی که هریک از تقسیم‌بندی‌های ذکر شده از آن برخوردارند، بنا به دلایلی از جمله تداخل موضوعی و هم‌پوشانی تقسیم‌بندی‌های فوق، پژوهش حاضر برحسب عوامل و ریشه‌های درون‌زا و برون‌زا، موضوع بیداری اسلامی را مطالعه کرده است. منظور از عوامل درون‌زا عواملی هستند که با فرد انسانی، خود و ناخودآگاه انسان مسلمان در ارتباط بوده و طی فرایندی از نسل‌های گذشته به او منتقل شده است و ماهیت به وجود آمدن (مثل وقوع یک انقلاب) را ندارد، بلکه از انباشت اندیشه‌ها، خاطرات تاریخی، هویت‌ها و آرمان‌ها تشکیل می‌شود. مراد از عوامل برون‌زا نیز حوادثی هستند که از خارج از فرد و اندیشه او نشأت می‌گیرد و یک حادثه مشخص می‌تواند آن را ایجاد کند. ناگفته‌نماند که برخی از مسائل همچون بحران فلسطین، وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکست الگوهای غیراسلامی با وجود آنکه تحت عنوان یکی از عوامل درون یا برون‌زا بررسی شده‌اند، اما به دلیل برخورداری هم‌زمان از بُعد تاریخی و هویتی، قابلیت بررسی ذیل عنوان مجزای درون- برون‌زا را نیز داشته‌اند که نگارنده به دلیل اجتناب از درازنویسی و تکرار مطالب، از ورود با چنین رویکردی خودداری کرده است.

فرضیه و مدعای نوشتار حاضر را می‌توان با اتکاء به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

اینگونه مطرح کرد که: «به نظرمی رسد که علل و ریشه‌های بیداری اسلامی و تحولات مرتبط در خاورمیانه و شمال آفریقا را باید در دو گروه عواملِ درون‌زا، یعنی "مسائلی" همچون شکست الگوهای غیراسلامی و رشد اسلام‌خواهی، احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی، تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری و جهادی و جریان‌ساز اسلامی و عواملِ برون‌زا، یعنی "حوادثی" از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران، پیشینه استعماری و حضور قدرت‌های غربی در منطقه، بحران فلسطین و وجود حکومت‌های فاسد، غرب‌گرا و غیرمردمی پی‌جویی کرد».

ب- علل درون‌زای بیداری اسلامی

۱- شکست الگوهای غیراسلامی و رشد اسلام‌خواهی

موج اسلام‌خواهی که در عوامل درون‌زای بیداری اسلامی بررسی می‌شود با مسئله شکست الگوهای غیراسلامی و بحران هویت میان مسلمانان به‌ویژه پس از احساس تحقیر ناشی از مسئله اشغال فلسطین و شکست‌های پیاپی اعراب از رژیم صهیونیستی (به‌عنوان عامل برون‌زا) ارتباط منطقی مؤثری دارد. زوال فزاینده امپراطوری اسلامی عثمانی و ایران، باعث ظهور ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی رقیبی شد که هویت نژادی و زبانی داشتند. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا سه نوع ناسیونالیسم ترکی، ایرانی و عربی به جای امت اسلامی ظهور کرد (دکم‌جیان، ۱۳۷۷: ۶۰). هر سه الگو که با اصول سکولاریسم، لائیسیم، شونیسیم یا ملی‌گرایی افراطی، و یا شبه‌مارکسیسم و تفاسیر سوسیالیستی از اسلام درهم آمیخته و آتاتورک، سلسله پهلوی و جمال‌عبدالناصر در ترکیه، ایران و مصر داعیه‌دار آن بودند در طول زمان نارسایی خود را در اداره جامعه و تحقق شعارهای خود نمایان ساخته و یکی پس از دیگری به شکست انجامیده‌بودند.

همچنین تلاش‌هایی که در قالب سوسیالیسم انقلابی، لیبرالیسم غربی انجام شد نیز نتوانستند به الگوهایی موفق برای حکومت‌داری در خاورمیانه مبدل‌شوند و سرانجام در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی شیوه اسلامی به‌عنوان جانشینی پر قدرت و مهم جلوه‌گر

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

شد (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۳). درحقیقت اسلام‌گرایان در تعیین چارچوب گفتمان سیاسی موفق شدند و ایدئولوژی‌های غیرمذهبی مانند ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم دموکراتیک را از صحنه حذف کردند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۷۹). به گفته برنارد لوئیس معدود کشورهایی نیز که پس از شکست سوسیالیسم و ناسیونالیسم هم‌اکنون با الگوی ترکیب سوسیالیسم ملی اداره می‌شوند، در هر آزمونی جز آزمون بقا شکست‌خورده‌اند (لوئیس، ۱۳۸۴: ۲۲۳). شکست‌هایی که از آن‌ها به‌عنوان زمینه‌های رشد، نمو و بازگشت به اندیشه‌های اسلامی می‌توان یاد کرد. محمد حسنین هیکل روزنامه‌نگار نامدار مصری، فضای یاس‌آلود ناشی از شکست ایدئولوژی‌های غیراسلامی پس از جنگ سوم اعراب و اسرائیل را چنین توصیف می‌کند:

پس از جنگ ۱۹۶۷ تمام مردم خاورمیانه ناچار شدند یک‌سری از اصول را تجدیدنظرکنند، تمام آرمان‌هایی که پرورانده‌شده‌بود به سراب و یقینیات قبلی به دروغ تبدیل شده‌بود. آیا چیزی مانده‌بود که بتوان به آن دل بست؟ مذهب تنها پاسخی موجود بود (هیکل، ۱۳۶۲: ۲۳۰-۲۳۱).

مقام معظم رهبری درخصوص شکست الگوهای مادی و جایگزینی اسلام به جای آن‌ها می‌فرماید:

... همچنان که تحولات دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در تعدادی از این کشورهای که به رژیم‌های غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژی‌های مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرت‌های استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه‌های درس‌آموزی هستند که سهم‌وافری در شکل‌دادن به اندیشه عمومی و عمیق‌کنونی دنیای اسلام دادند (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

درواقع ناکامی نیروهای فکری-سیاسی مادی در ایجاد نظام‌های پویای ملی و منطقه‌ای و شکست در برابر قدرت‌های بزرگ موجب شد که اسلام‌گرایی به تکرار، توان و نیروی

بهرام اخوان کاظمی، اللہ کرم مشتاقی

نہفتہ خود را کہ در سال‌های پیشین به وسیله رقبا سرکوب شده بود به نمایش بگذارد و به‌عنوان تنها نیروی مؤثر در منطقه پدیدار شود (پاشاپور، ۱۳۸۲: ۱۳۰)، زیرا در جهان اسلام و در میان عمده مسلمانان عالم، نخستین و اصلی‌ترین تعریف از خود، چنانچه از تاریخ مکتوب بخش اعظم اسلام برمی‌آید، نه از طریق کشور یا ملت و نه از طریق نژاد یا طبقه، بلکه از طریق مذهب انجام می‌شود (کیل، ۱۳۸۲: ۷).

از منظر مقام معظم رهبری «گرایش‌های اسلامی امروز ناشی از ناامیدی از الگوهای مادی در دنیای اسلام بوده و در عصر حاضر روشنفکران دنیای اسلام، دل‌زده از سوسیالیسم و مکاتب غربی به سمت اسلام‌گرایی پیداکرده‌اند و ... علاج دردهای بشریت را از اسلام می‌طلبند» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۱۱). ایشان تحولات کشورهای شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه را همان استفاده و استضائه از نور اسلام و استفاده از جهت‌گیری دست مبارک نبی اکرم (ص) (بیانات، ۱۳۹۰/۴/۹) دانسته و معتقدند که این تحولات تلاشی از سوی مسلمانان برای بازگشت به هویت اصیل و اسلامی خود است (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۹).

در شرایط کنونی به‌نظر می‌رسد که ملت‌های منطقه تمامی شکست‌ها، ناکامی‌ها و تحقیرها را در فاصله‌گرفتن از اصول اسلامی می‌دانند و به همین دلیل برخی از تحلیلگران، اسلام سیاسی و تمایلات اسلام‌گرایی را محور چالش‌های امروز خاورمیانه و شمال آفریقا دانسته (نجات حسینی، ۱۳۸۷: ۸۴) و معتقدند به‌رغم تمامی تنوعاتی که میان گروه‌های اسلام‌گرا وجود دارد، همه این گروه‌ها در یک نکته اشتراک دارند و آن عبارت است از خواست و تمایل آن‌ها برای اسلامی‌کردن جامعه و تغییر بنیادین حوزه سیاست این جوامع (ولترینگ، ۱۳۸۴: ۱۱۲). همچنان‌که مقام معظم رهبری نیز بر این باورند که «برافراشتن پرچم اسلام که عقیده عمیق و دلبستگی دیرین مردم است و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفایی‌ای که جز در سایه شریعت اسلامی به‌دست نخواهد آمد» (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

با وجود تحلیل‌های مادی تحولات خاورمیانه به‌وسیله برخی از تحلیلگران، مقام معظم رهبری ضمن تأیید وجود بحران‌های اقتصادی در این کشورها آن را دلیل اصلی و ریشه‌ای این تحولات نمی‌دانند. ایشان ضمن آنکه یکی از انگیزه‌های ریشه‌ای و مسلم قیام ملت‌های

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

منطقه را اسلام‌خواهی می‌دانند (بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)، معتقدند که این بیداری به استناد واقعیات گسترده و تردیدناپذیر، صبغه اسلامی دارد (بیانات، ۱۳۹۰/۱۰/۷). درحالی‌که قدرت‌های مستکبر غربی نمی‌خواهند در مقابل این واقعیت بزرگ و غیرقابل انکار تسلیم‌شوند که ملت‌های منطقه بیدار شده‌اند و به اسلام برگشته‌اند (بیانات، ۱۳۹۰/۴/۹).

۲- احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی

دومین عنصری که می‌توان از آن به‌عنوان عامل درون‌زای بیداری اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری یادکرد احساس حقارتی است که به‌واسطه تحولات تاریخی و روندهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تاریخ معاصر خاورمیانه و شمال آفریقا بر مسلمانان تحمیل و آنان را به تأمل در هویت اصلی خود و قیام برای بازگشت به دوران مجد و عظمت اسلامی خویش واداشته‌است.

هویت، از کلیدی‌ترین مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و رهیافت‌های آن از جمله سازه‌انگاری است. سازه‌انگاران بر این اعتقادند که آنچه کنش‌ها و واکنش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تشکیل می‌دهد هویت، فرهنگ، جامعه و روابط بین‌اذهانی است، مسائلی که در رهیافت‌های لیبرالیستی و رئالیستی از آن‌ها غفلت شده‌است؛ به بیان دیگر، سازه‌انگاران هویت‌ها را عامل شکل‌دادن و تعریف منافع می‌دانند و معتقدند تعاملات کنش‌گران به‌صورت بین‌الاذهانی هنجارها و انگاره‌های مشترکی را به‌وجود می‌آورند. این هنجارها قوام‌دهنده هویت‌ها هستند و هویت‌ها منافع کنش‌گران را تعریف می‌کنند (قوام، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

علامه شهید مطهری هویت اسلامی را عامل خیزش و بیداری مسلمانان در برابر شرق و غرب می‌داند، همان‌گونه که در کتاب نهضت‌های صدساله اخیر بر این باور است که مسلمانان پس از یک‌دوره فروختگی و از هم‌پاشیدگی ذهنی بار دیگر در جستجوی هویت اسلامی خود در برابر غرب سرمایه‌داری و شرق کمونیستی برآمدند (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۱).

رهبر معظم انقلاب نیز یکی از علل عمده قیام ملت‌های منطقه را احساس سرخوردگی

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتاقی

و تحقیری می‌دانند که به وسیله استعمارگران و حکومت‌های دست‌نشانده بر آن‌ها تحمیل شده‌است، ایشان در این باره می‌فرمایند:

در طول سال‌های متمادى دشمنان و مستکبران و اشغالگران و
مداخله‌گران، ملت‌ها را استثمار کردند، در عین حال آن‌ها را تحقیر و
ذلیل کردند، ملت‌های مظلوم به دنبال کرامت خود هستند (بیانات،
۱۳۹۰/۴/۹)، آن چیزی که مردم را به صحنه‌کشاند، به صورت
واضحی مسئله عزت و کرامت انسانی آن‌ها بود (بیانات،
۱۳۹۰/۱/۱).

به همین دلیل معظم‌له قیام مردم مصر را دفاع این ملت از کرامت و عزت خود می‌دانند (بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵). این باور از سوی متفکران غربی هم تأیید شده‌است. به عنوان نمونه ساموئل هانتینگتون و برنارد لوئیس به عنوان دو تن از مشهورترین شرق‌شناسان غربی معتقدند که اسلام‌گرایی مردم خاورمیانه و شمال آفریقا واکنشی در برابر تهاجم همه‌جانبه غرب به این منطقه بوده‌است. هانتینگتون بر آن است که اسلام‌گرایی ریشه در ناخوردگی مسلمانان از تهاجم و سلطه بی‌رحمانه فرهنگی غرب بر کشورهای اسلامی دارد (اسدی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۷). افزون بر این، در هشتمین اجلاس خاورمیانه‌ای مؤسسه علمی تحقیقاتی کوربر که در ۱۲ آوریل ۲۰۱۱ در شهر برلین برگزار شد، نخستین دلیل حوادث فراگیر دنیای عرب را "تجمیع سرخوردگی‌ها و تحقیرها" تشخیص داده‌اند (سجادپور، ۱۳۹۰، ۱۷). بدیهی است که بازگشت به خویشتن اسلامی فوری‌ترین عکس‌العمل مسلمانان به این سرخوردگی‌ها است.

مقام معظم رهبری با اشاره به تاریخ طولانی استبداد و استعمار در کشورهای منطقه بر این عقیده هستند که :

حرکت‌هایی که امروز در بعضی از کشورهای اسلامی
مشاهده می‌شود، عکس‌العمل و واکنش ملت‌هاست به تحقیر
طولانی که قدرت‌های استکباری به اینها روا داشته‌اند (بیانات،
۱۳۸۹/۲/۲).

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

بیش از یک قرن به دست دولت‌های غربی، فرانسه و دیگران و سپس به دست آمریکا استثمار و اشغال و تحقیر شدند (پیام رهبری، ۱۳۸۱/۹/۵)، بنابراین عامل اصلی این حرکت عظیم مردم، احساس تحقیری است که در آن‌ها از وضعیت سران خود به وجود آمده است، مردم تحقیر شدند و احساس کردند که به آن‌ها توهین شده است (بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).

مقام معظم رهبری با عنایت به همین مؤلفه‌ها، بنیاد و معنای حرکت مردم منطقه را حرکتی در مسیر هویت، کرامت و عزت بر می‌شمارند (بیانات، ۱۳۹۰/۴/۹).

۳- تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری، جهادی و جریان‌ساز اسلامی

در کنار شکست الگوهای غیراسلامی، احساس تحقیر، سرخوردگی و ایجاد بحران هویت در میان ملل اسلامی - عربی خاورمیانه و شمال آفریقا و متعاقب آن بازگشت به هویت دینی و خویشتن اسلامی، سومین عامل ریشه‌ای و درون‌زای مسئله بیداری اسلامی در منطقه از نگاه مقام معظم رهبری وجود شخصیت‌های فکری، فرهنگی، جهادی و جریان‌ساز در دنیای اسلام به‌خصوص در صد ساله اخیر است.

باید اذعان کرد که مسئله بازگشت به تعالیم دینی و هویت اسلامی، مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و تلاش‌های اصلاح‌گرایانه در دنیای اسلام همواره از سوی نخبگان مسلمان به‌خصوص پس از آغاز دوره استعمار جوامع اسلامی و رویارویی با فرهنگ و تمدن غرب دنبال شده است، اما اگرچه موج بیداری اسلامی امروزه سراسر جهان اسلام را فراگرفته است، اما خاستگاه اصلی آن را باید چهار سرزمین مهم اسلامی در سده گذشته یعنی ایران، دنیای عرب (به‌طور عمده مصر و شام) ترکیه عثمانی و هند دانست (ولایتی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴).

علاوه بر نوع واکنش نخبگان اسلام‌گرا که در چهار گروه عمده واکنش‌های سیاسی، نظامی، فکری - فرهنگی و نهضت‌های ترکیبی تقسیم‌بندی می‌شوند، نحوه این مواجهه نیز طیفی از اصلاح‌گری، احیاء و بازسازی، اصول‌گرایی و بنیادگرایی را شامل می‌شود.

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتاقی

جنبش‌های شاه‌ولی‌الله در هند، سنوسیه در لیبی، مهدی‌سودانی در سودان، نهضت‌ها و جریان‌های اسلامی - اصلاحی در اندونزی، اخوان‌المسلمین در مصر، جنبش امل و حزب‌الله در لبنان، انقلاب اسلامی در ایران و جنبش‌های اسلامی در تونس، الجزایر، مراکش، عربستان، عراق، بحرین، کویت، یمن، فلسطین و سوریه به‌وسیله‌ی نخبگانی بنیان‌گذاری، هدایت و رهبری شده‌اند که در حال حاضر نیز نقش عمده‌ای را از طریق آثار نوشتاری به جا مانده، پرورش شاگردان و بنیان‌نهادن نهضت‌های فکری - فرهنگی، سیاسی و نظامی در بیداری اسلامی داشته‌اند.

مقام معظم رهبری حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ و جریان‌ساز اسلامی در مصر، عراق، ایران، هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا در صد و پنجاه سال اخیر را پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلام دانسته (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶) و علت قیام و خیزش اسلامی مصر و نقش تأثیرگذار این کشور در بیداری اسلامی را به دلیل وجود شخصیت‌های فکری، فرهنگی و جهادی مصر به‌شمار می‌آورند (بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).

از نظر ایشان، متفکران، مبارزان و بیدارگران اسلامی در قرن گذشته، بسترساز بیداری اسلامی و اجرای اصول اسلامی بوده‌اند و در این راستا می‌فرمایند:

قرن گذشته - قرن سیزدهم هجری - قرن فریادگری فریادگران اسلام بود. از اوایل قرن که میرزای شیرازی - مرجع تقلید بزرگ اسلام - در برخورد با کمپانی انگلیسی، آن فتوای قاطع را داد و یک ملت را به حرکت درآورد، تا واقعه مشروطیت در ایران، تا حرکت‌های اسلامی در هند، تا بیداری اسلامی در غرب دنیای اسلام - در خاورمیانه و در منطقه شمال آفریقا - و بزرگانی که سخن گفتند و سید جمال‌الدین‌ها و دیگران و دیگران، تقریباً قرن فریاد و قرن مبارزات بود، و قرن بعد، قرن تجربه است. این قرنی که ما امروز در آن قرار داریم قرن تجربه است (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳).

تبلور نقش اندیشمندانی همچون میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، حسن‌البناء،

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

حضرت امام خمینی (ره)، سید قطب، محمدباقر صدر، مودودی، امام موسی صدر، شیخ احمد یاسین، عمر عبدالرحمن و دیگر رهبران فکری، فرهنگی و سیاسی دنیای اسلام در تهییج و بسیج توده‌های مردم در قالب حکم جهاد عمومی، تحریم اقتصادی، مقابله فرهنگی، تهدید و مرعوب کردن دشمنان و مبارزه سیاسی و مسلحانه، نقشی فراطبقه‌ای، فرار زمانی و فرا مکانی بوده است. همچنانکه دیدگاه هرایر دکمجیان - نویسنده مسیحی کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر - هم مؤید چنین دیدگاهی است:

ایمان تمار عیار و تعهد مطلق مردانی همچون حسن‌البناء، سید قطب، محمدباقر صدر و آیت‌الله خمینی نسبت به آرمان اسلام‌گرایی را نمی‌توان به سادگی با توجه به ریشه‌های طبقاتی آن‌ها تبیین کرد. چالش بسیاری از اسلام‌گرایان در برابر مقامات سیاسیفقط از منابع مادی طبقات خاص ناشی نمی‌شود، بلکه از آنجا ریشه‌می‌گیرد که آن‌ها اطمینان قاطع دارند که ابزارهای اراده خداوند هستند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۹۱).

افزون بر این، به باور دکمجیان؛ از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی نقش روحانیت یا شیوخ در بخش سنی جنبش‌های اسلامی بسیار برجسته‌تر شده است، هر چند که نقش آن‌ها به میزان همتای شیعه آنها نیست. وی این برجستگی نقش علماء را به چند دلیل می‌داند، اول آنکه رهبری روحانی که در مسجد پایگاه دارد از مشروعیت اجتماعی و حمایت مردمی و مذهبی بیشتری در مقایسه با ایدئولوژی‌های کاریزماتیک جوان دهه ۱۹۷۰ برخوردار است. دوم اینکه شیوخ به‌عنوان مسئولان شناخته‌شده برخوردار از حمایت مردمی، در اسلامی کردن نظام اجتماعی - سیاسی توان و ظرفیت منحصر به فردی را از خود نشان داده‌اند و همچنین اینکه علماء که محصول پرورش سنتی اسلامی هستند کمتر مایل بوده‌اند عقاید و مکاتب خاص گرایانه، تفرقه‌افکن و فرقه‌گرایانه را ارائه‌دهند که در داخل صفوف اسلام‌گرایان جناح‌بندی و اختلاف ایجاد می‌کند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۸۲-۳۸۰).

در همین راستا نیز آیت‌الله خامنه‌ای با عنایت به اهمیت جایگاه فوق‌العاده علماء، شیوخ و روحانیان در شکل‌دهی، حمایت و هدایت جنبش‌های اسلامی، نقش آن‌ها را در پیشبرد

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

اهداف این جنبش‌ها چنین تبیین می‌کنند:

وظیفه عالمان دین، نخبگان سیاسی و نخبگان علمی و دانشگاهی خیلی سنگین است، امروز مردم منطقه احتیاج دارند به هدایت این نخبگان. اینها نباید بگذارند دستگاه استکبار با وسایل گوناگونی که دارد، این حرکت عظیم ملت‌ها را مصادره‌کند، انقلاب مردم را از آن‌ها سرقت کند باید مراقب باشند (بیانات، ۱۳۸۹/۱۲/۲).

پ- علل برونزای بیداری اسلامی

۱- انقلاب اسلامی ایران

شاید اغراق نباشد که گفته شود هیچ منبع و اثری پیرامون جنبش‌های اسلامی معاصر در دنیای اسلام نمی‌توان یافت که در آن از تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دنیای اسلام به‌خصوص منطقه عربی - اسلامی سخن به میان نیامده باشد، تحولی با تأثیرگذاری عمیق که بنا به گفته یکی از پژوهشگران آنچنان آشکار است که تصور آن موجب تصدیق آن می‌شود (امه‌طلب، ۱۳۸۶: ۱۳۹). همان‌طور که به گفته راشد الغنوشی - متفکر و رهبر حزب اسلام‌گرای النهضه تونس - انقلاب اسلامی ایران و حضرت امام خمینی (ره) نمایان‌گر تحولی بزرگ در سطح بین‌المللی و منطقه بوده که حق پدیده‌ای به این گستردگی را نمی‌توان با سخنانی کوتاه اداکرد (الغنوشی، ۱۳۷۲: ۶۵). الغنوشی بر این اعتقاد بوده است که با وجود اینکه پایگاه اصلی انقلاب اسلامی را مذهب تشیع شکل می‌دهد، اما این انقلاب وابسته به یک جریان جهانی فراگیر است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی، بیداری اُمت و هدایت آن تا مرحله رهبری تمدن جهانی است*

*. الغنوشی در سه دهه گذشته از ستایش‌گران و طرفداران انقلاب اسلامی بوده و در مناسبت‌های متعدد انقلابی و اسلامی نیز به ایران سفر کرده است. با این وجود برخی اظهار نظرهایی اخیراً از وی نقل شده که حاکی از ابراز علاقه هم‌زمان این شخصیت به الگوی حکومتی ترکیه است. به نظر می‌رسد چنین اظهاراتی بیش از آن که ناشی از چرخش فکری در امثال الغنوشی باشد، به دلیل فضا سازی‌های گسترده علیه جمهوری

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

(الغنوشی، ۱۳۷۲: ۶۹).

فهمی هویدی، متفکر مصری در این باره می‌نویسد:

در منطقه یک تغییر استراتژیک رخ داده که آغازگر روند آن پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده است، این انقلاب نقشی اساسی را در تزریق اعتماد به نفس به مسلمانان، فارغ از ملیت و نگرش سیاسی آنها داشته است، پیروزی انقلاب ایران برای مسلمانان جهان به معنی پیروزی اسلام بود و توانایی‌های شناخته‌نشده اسلام را برای رهبری توده‌ها برای مقابله با رژیم‌های استبدادی و استعمار خارجی روشن ساخت (8: Menashri, 1990).

البته انقلاب اسلامی ایران را نباید فقط یک جریان محدود انقلابی در قالب انقلاب شیعی قلمداد کرد. به همین دلیل نیز وقوع انقلاب اسلامی باعث شد تا اسلام سیاسی به‌عنوان ایدئولوژی رقیب در منطقه ی خاورمیانه بیش از گذشته مطرح شود. در واقع انقلاب اسلامی نه فقط به برتری نهضت‌های اسلامی بر نهضت‌های غیرمذهبی منطقه منجر شد، بلکه دو تحول اساسی دیگر نیز در پی داشت: اول اینکه احزاب ملی‌گرا و چپ‌گرا را به تفکر در زمینه مددگیری از موج اسلام‌گرایی و یا همراهی با آن وادار کرد؛ دوم اینکه به آن دسته از نهضت‌های اسلامی که کمتر به عمل‌گرایی بیشتر و پرهیز از تکیه سیاسی توجه‌کنند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۳).

در همین راستا مقام معظم رهبری بیشترین تأکید را به تأثیر انقلاب اسلامی، به‌عنوان

اسلامی ایران به ویژه در جهان غرب و عرب است و رهبران کشورهای دستخوش بیداری اسلامی مایلند با چنین مواضعی، فضای حیاتی و بقای خود را توسعه داده و از شدت حساسیت نسبت به قدرت‌گیری جریان اسلامی در کشور خویش بکاهند. هرچند که دور از ذهن نیست که ترجیحات یک اندیشمند در مقام نظریه پردازی و مصلح سیاسی پس از به قدرت رسیدن و در مقام عمل دچار تغییرات و تعدیلات و مصلحت‌اندیشی‌هایی نیز شود.

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

یکی اصلی ترین عوامل ریشه‌ای و برون‌زای بیداری اسلامی دارند و اظهار می‌دارند:
ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین
عواملی بوده‌است که ملت‌های منطقه و ملت‌های مسلمان را
امیدوار کرده و می‌توان گفت نقش مؤثری در ایجاد حرکت عظیم
اسلامی منطقه و آزادی و بیداری ایفا کرده‌است (بیانات،
۱۳۹۰/۵/۱۹). تاکنون نیز حرکت رو به جلو نظام اسلامی موجب
احیای مجدد اسلام و اراده ملت‌های منطقه شده‌است (بیانات،
۱۳۹۰/۵/۱).

از منظر ایشان، پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت جمهوری اسلامی ایران را به الگویی
برای جریان‌های اسلام‌خواه مبدل کرده‌است (بیانات، ۱۳۹۰/۵/۲۴) و این همان نکته‌ای است
که اندیشمندان غربی نیز بر آن صحه گذارده‌اند (سعید، ۱۳۷۹: ۱۰۵ و دکم‌جیان، ۱۳۷۷: ۵۰
و ۴۰۱). برنارد لوئیس شرق‌شناس مشهور، در مقدمه‌ای که برای کتاب پیامبر و فرعون
نوشته‌است به اهمیت یافتن نیروی اسلام، رشد و قدرت‌گیری جریان‌های اسلام‌گرا و ورود
اسلام سیاسی به تعاملات بین‌المللی پس از پیروزی انقلاب در ایران اذعان داشته‌است (کپل،
۱۳۸۲: ۱۱).

رهبر معظم انقلاب، با عنایت به همین ملاحظات و آنچه در عرصه عمل پس از
پیروزی انقلاب اسلامی ایران در منطقه رخ داده‌است، پیروزی انقلاب اسلامی را عاملی
هویت‌بخش برای جامعه اسلامی قلمداد می‌کنند (بیانات، ۱۳۸۸/۳/۱۴) و معتقدند که قیام
دولت اسلامی در ایران، امت اسلامی را به هیجان آورده و به آن‌ها اعتماد به نفس
بخشیده‌است (بیانات، ۱۳۸۴/۲/۶).

علاوه بر این، جان ال اسپوزیتو مهم‌ترین تأثیر ایران انقلابی بر جهان اسلام را در سطح
افکار و ایدئولوژی می‌داند و معتقد است نسل مسلمان پس از انقلاب اسلامی در سراسر
جهان پذیرفتند که اسلام برای اصلاح سیاسی و اجتماعی برنامه دارد (اسپوزیتو، ۱۳۸۶:
۳۳۲). در این راستا علی‌اکبر ولایتی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک
جنبش‌های اسلامی را در سه محور بررسی کرده‌است: اول، تأثیر در گروه‌هایی که با الگو

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

قراردادن انقلاب اسلامی به‌طور رسمی خواهان سرنگونی رژیم‌های سیاسی حاکم بر کشور خود شدند که از آن جمله می‌توان به حزب‌الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق اشاره کرد؛ دوم، گروه‌هایی که انقلاب اسلامی ایران را در اجرای شریعت اسلامی و به‌کارگیری شریعت در اداره جامعه به‌عنوان الگو برگزیده‌اند که از آن جمله می‌توان به جمعیت ارشاد اسلامی مصر و جبهه نجات اسلامی الجزایر اشاره کرد؛ گروه سوم، جریان‌هایی بودند که خود را از دایره ملی‌گرایی خارج کرده و خواهان تشکیل امت واحده اسلامی شدند. این دسته خود به دو گروه عمده تقسیم می‌شود: دسته‌ای که فقط از لحاظ عقیدتی و مذهبی خود را پیرو الگوی انقلاب اسلامی می‌داند و جریان دوم گروه‌هایی هستند که هم از لحاظ عقیدتی و هم از لحاظ سیاسی خود را ملزم به پیروی از انقلاب اسلامی می‌دانند (ولایتی، ۱۳۹۰: ۳۸).

همچنین مرحوم کلیم صدیقی در کتاب نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌های تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی را در شش موضوع بیان کرده‌است که عبارت‌اند از: نقش برجسته رهبری در جنبش، روش مبارزه، نقش علما، حضور و نقش پررنگ دانشجویان و جوانان در جنبش‌های اسلامی و نگاه جهانی و بین‌المللی (صدیقی، ۱۳۷۹: ۶۷-۶۶).

از منظر مقام معظم رهبری نیز پیروزی انقلاب اسلامی جنبش‌های اسلامی را با یک الگوی زنده معاصر روبرو ساخت و در تقابل تئوری‌های صرف فرهنگی، تبلیغی و عمل‌گرایی، کفه را به نفع الگوهای عمل‌گرایانه تغییر داد. ایشان معتقدند تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مفهوم بیداری اسلامی به این شکل و با این سبک و سیاق به‌وجود نیامده بود (بیانات، ۱۳۸۳/۵/۲۵)؛ و به همین دلیل تأثیر ژرف پیروزی انقلاب اسلامی در قدرت‌بخشیدن به جنبش‌های اسلامی و جریان بیداری اسلامی تأثیری است در خور بحث و تحقیق (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶)، که با وجود تولید آثار فراوان داخلی و خارجی در این زمینه به دلیل پویایی جریان بیداری اسلامی جای تحقیق، بررسی و کنکاش بیشتری دارد.

۲- استعمار و حضور قدرت‌های غربی در منطقه

استعمار و تبعات مختلف آن، یکی از منفورترین مفاهیم در اذهان تاریخی مسلمانان از هند، آسیای مرکزی و ایران گرفته تا شامات و ملل مسلمان آفریقا را تشکیل می‌دهد. به نظر خورشید احمد، متفکر مسلمان پاکستانی، ریشه‌های رستاخیز اسلامی معاصر را باید در میراث استعمار یا به عبارتی، در آثار و عوارضی که قدرت‌های استعماری در جوامع اسلامی برجای گذاشته‌اند جستجو کرد (گنجی، ۱۳۸۸: ۱۵). علامه شهید مطهری نیز معتقد بودند که بیداری اسلامی، عکس‌العملی در مقابل هجوم استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب است (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳).

حضور گسترده نظامی غرب، به‌خصوص آمریکا، در منطقه، تلاش آن‌ها برای ترویج فرهنگ غربی در قالب طرح‌های اروپایی (برنامه همسایگی اروپا، طرح بارسلون و طرح کشورهای اروپایی - مدیترانه‌ای) و آمریکایی (خاورمیانه بزرگ) برای ایجاد تغییرات بنیادین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین حمایت گسترده از رژیم‌های غرب‌گرای این مناطق، در ذهنیت مسلمانان احساس نوعی تحقیر همراه با تلاش برای کسب هویت اسلامی و ایجاد جامعه‌ای عاری از نفوذ و سیطره غرب ایجاد کرده‌است که در قالب جنبش‌های اسلامی، ضد غربی و ضد حکومت‌های غرب‌گرا آشکار می‌شود.

رخدادهای تاریخی نشان‌دهنده‌است که حضور قدرت‌های استعماری شرق و غرب در منطقه با گسترش و نوع حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی رابطه مثبت دارد. بدین ترتیب که هرچه حضور قدرت‌های مداخله‌گر در منطقه بیشتر باشد شکل‌گیری، دوام و استمرار گروه‌های اسلامی نیز بیشتر و عمیق‌تر می‌شود. به همین ترتیب حضور نظامی موجب تشکیل گروه‌های اسلام‌گرای مسلحانه و حضور فرهنگی غرب و شرق در مناطق اسلامی موجبات نزح و شکل‌گیری جریان‌های فکری و فرهنگی را فراهم می‌آورد. علی‌اکبر ولایتی نیز پدیده بیداری اسلامی را واکنش دنیای اسلام به عقب‌ماندگی‌های خود و برخورد با فرهنگ و تمدن غربی می‌داند (ولایتی، ۱۳۹۰: ۱۳).

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

در مطالعه سیر اندیشه‌ها و آثار مقام معظم رهبری از میان ریشه‌های بیرونی و درونی شکل‌گیری بیداری اسلامی، پس از مسئله اسلام‌خواهی، احساس تحقیر و عقب‌ماندگی مسلمانان و جستجوی خویشتن اسلامی و مسئله انقلاب اسلامی، عامل نقش استعمار و حضور قدرت‌های مداخله‌گر از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است.

مقام معظم رهبری حضور استعمار و قدرت‌های مداخله‌گر را به سه شیوه موجب بیداری اسلامی می‌دانند: اول، دخالت نظامی در منطقه که موجب شکل‌گیری گروه‌های مبارز اسلامی می‌شود؛ دوم، احساس تحقیری که به مسلمانان به واسطه تسلط بیگانه و حضور متفرعانه آنان در سرزمین‌های اسلامی دست داده‌است و سوم، حمایت قدرت‌های غربی از رژیم‌های سکولار و غیرمردمی است. ایشان در این مورد اظهار می‌دارند:

ملت‌ها فقط مشکیشان این نیست که با این دیکتاتور مواجه‌اند [یا فقط] با یک آدم مستبد مواجه‌اند. مشکیشان این است که این دیکتاتور عقبه‌ای از قدرت‌های بین‌المللی دارند، آن‌ها هستند که دارند منافع این کشور و این ملت را پایمال و نابود می‌کنند، مشکل دوران استعمار است، با این دید که نگاه کنیم، همه مسائل درست تحلیل می‌شوند، قضایای امروز هم همین جور است (بیانات، ۱۳۹۰/۲/۱۳).

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که آمریکا و اروپا طی دو قرن بیشترین لطمه‌ها و خسارت‌ها و تحقیرها را بر مردم کشورهای منطقه وارد آورده‌اند (بیانات، ۱۳۹۰/۲/۲۳)، و تجمیع تحقیرها به واسطه استعمار طولانی مدت ملت‌ها به اشکال گوناگون، ذهنیت مسلمانان از غرب را ذهنیتی مقابله‌جویانه همراه با تنفر کرده‌است، به همین دلیل معظم‌له تسلیم‌نشدن در برابر استکبار و استعمار را یکی از ارکان نهضت‌های امروز کشورهای اسلامی می‌دانند (بیانات، ۱۳۹۰/۱۲/۲).

بسیاری از اندیشمندان تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا را شورش بر مدرنیته وارداتی قلمداد کرده و نفوذ گسترده کشورهای غربی در شکل‌دادن به امور داخلی کشورهای عربی را پایه خشم و ناآرامی در این سرزمین‌ها دانسته (دهشیار، ۱۳۹۰، الف: ۹).

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

و همچنین پیامد تلاش غرب برای جانداختن ارزش‌های لیبرال در خاورمیانه عربی را چیزی جز بی‌ثباتی در منطقه نمی‌دانند (دهشیار، ۱۳۹۰، ب: ۱۶).

از سوی دیگر، آمریکا با ایجاد بی‌ثباتی در خاورمیانه و شمال آفریقا با تضعیف بیداری اسلامی و کشورهای مسلمان، امواج اسلام‌گرایی در حال رشد را در منطقه ضعیف می‌کند تا از این طریق، بقایای نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی و حامیان دیکتاتور آن‌ها را در منطقه تضمین کند و این مهم‌ترین چالش بیداری اسلامی در دهه‌های آتی در کشورهای مسلمانان خواهد بود (امه طلب، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

برنارد لوئیس معتقد است این خود به اندازه کافی برای مسلمانان ناخوشایند است که ببینند پس از قرن‌ها ثروت و قدرت، رهبری‌ای را که حق خود می‌دانند از دست بدهند و به نقش دنباله‌رو غرب تنزل یابند (لوئیس، ۱۳۸۴: ۲۲۰)، بنابراین می‌توان استنباط کرد که آمریکا با حضور گسترده در منطقه و اشغال نظامی دو کشور عراق و افغانستان، هم‌اکنون به عنوان نماد استعمار جدید در چشم مسلمانان نمایان شده است به همین لحاظ این کشور منبع مهم انگیزه تشکیل و استمرار جریان‌های اسلامی قلمداد می‌شود (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۴)، جریان‌هایی که با نظم دلخواه غرب و دولت‌های غرب‌گرای عربی در منطقه مخالف هستند (پاشاپور: ۱۳۸۲: ۱۳۹).

مقام معظم رهبری در تبیین قیام و برانگیخته شدن مسلمانان منطقه علیه قدرت‌های مداخله‌گر و تأثیر آن‌ها در نضج و رشد و استحکام جریان‌های اسلامی اظهار می‌دارند:

کجای دنیا جوانان و مردان و زنان شجاع یک جامعه حضور
اشغالگران را تحمل می‌کنند که اینها [مردم عراق] تحمل کنند؟
هیچ‌جا تحمل نکردند، این مخصوص عراق هم نیست، امروز در
هرجای دنیای اسلام، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و امثال اینها
حضور یابند و خود را با مردم مواجه سازند، موج عظیم نهضت و
بیداری اسلامی را لمس خواهند کرد (بیانات، ۱۳۸۲/۲/۱۰).

به همین دلیل است که هر ایر دکمجیان در کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر در دنیای عرب می‌نویسد: «افکار عمومی و مردمی عرب، آمریکا را در وقوع هرگونه حادثه ناگوار در

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

منطقه، از شکست‌های نظامی گرفته تا مصیبت‌های اقتصادی، شریک می‌دانند» (دکم‌جیان، ۱۳۷۷: ۴۰۷). مقام معظم رهبری دلیل این تنفر را از سوی ملت‌های مسلمان منطقه به خاطر آن می‌دانند که :

ملت‌های منطقه خاورمیانه، منطقه اسلامی و شمال آفریقا از ته دل از آمریکا متنفرند، چون در طول سال‌های متمادی از آمریکا در این منطقه خشونت دیده‌اند، دخالت نظامی دیده‌اند، حق‌کشی دیده‌اند (بیانات، ۱۳۸۸/۳/۱۴)، امروز ملت‌ها می‌دانند که حضور نظامی و مسلح بیگانگان در هر منطقه‌ای مایه ناامنی آن منطقه است (بیانات، ۱۳۹۰/۵/۱).

۳- بحران فلسطین

بحران فلسطین، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده هویت مسلمانان در خاورمیانه است (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۴۱). پس زمینه منفی مسلمانان از یهودیان، شیوه تحمیلی و غاصبانه شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، رفتار تجاوزگرانه آنان، ایدئولوژی افراط‌گرایانه صهیونیسم و پی‌بردن به اهداف غربی‌ها از تأسیس چنین رژیمی در همسایگی دول اسلامی و عربی، موجب شده‌است تا زمانی که راه‌حلی عادلانه برای مسئله فلسطین به اجرا درنیامده‌است این موضوع همچنان یکی از ریشه‌ها و انگیزه‌های بیداری اسلامی و گرایش به اسلام‌گرایی باشد.

اگرچه مسئله بیداری اسلامی قبل از ایجاد بحران فلسطین و اشغال این کشور نشو و نمو یافته‌است، اما پس از جنگ جهانی اول و اعلام تأسیس کشور یهودی در سرزمین‌های اسلامی، بحران فلسطین به نمونه‌ای عینی و زنده در مقابل چشم مسلمانان به‌عنوان نماد ضعف آنان، و بی‌کفایتی حکام محافظه‌کار در حل مسئله بخشی از مسلمانان و تحقیر آنان به‌وسیله غرب تبدیل شده‌است.

جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس ضمن قطع کامل روابط با رژیم صهیونیستی، به‌صورت رسمی خود را حامی ملت فلسطین دانست و تا به امروز سعی کرده‌است مسئله

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

فلسطین را از حالت اختلاف اعراب- اسرائیل به منازعه حق جویانه دنیای اسلام با رژیم اشغالگر تبدیل کند که نمونه عینی آن اعلام روز جهانی قدس در آخرین روز جمعه ماه مبارک رمضان از سوی حضرت امام خمینی (ره) بوده است. به دلیل ضرورت و اهمیت این موضع راهبردی، مقام معظم رهبری نیز از مسئله فلسطین با عنوان جراحی عمیق بر پیکر امت اسلامی (بیانات، ۱۳۸۷/۷/۱۰) و خنجری در پهلوی کشورهای مسلمان منطقه (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶) یاد کرده اند. ایشان یکی از مبادی اصلی طغیان مسلمانان، رشد و گسترش حرکت های اسلام گرایانه و موج جدید بیداری اسلامی را همین مسئله می دانند (بیانات، ۱۳۸۹/۱۲/۲). این نکته مورد تأکید صاحب نظران غربی هم بوده است به عنوان مثال هریر دکمچیان ناتوانی آشکار رهبران عرب در پایان دادن به اشغال سرزمین های عرب به وسیله اسرائیل را عامل مشروعیت فرمانروایی حکام عرب و سرخوردگی، اضطراب، ناامیدی گسترده و احساس حقارت مسلمانان در مقابل سلطه اروپا، آمریکا و اسرائیل به شماری آورد (دکمچیان، ۱۳۷۷: ۶۶).

بسیاری از اندیشمندان که بحران فلسطین و جنبش ها و جریان های اسلامی را مورد توجه عمیق قرار داده اند به درستی بحران فلسطین را با مسئله هویت مسلمانان پیوند زده اند. اگرچه فلسطین اشغالی فقط یک ۰/۱ درصد از وسعت سرزمین های اسلامی در سراسر دنیا را شامل می شود، اما آنچه از اهمیت ویژه ای برای مسلمانان برخوردار است، علاوه بر بُعد مذهبی و فرهنگی سرزمین فلسطین، مسئله حیثیت و هویت مسلمانان است که با بحران فلسطین گره خورده است. بر همین اساس برنارد لوئیس از مسئله فلسطین به عنوان سرشکستگی تحمل ناپذیر برای دنیای عرب و اسلام یاد می کند (لوئیس، ۱۳۸۴: ۲۲۳).

مقام معظم رهبری تأثیر بحران فلسطین را در بیداری اسلامی چنین بیان داشته اند:

ظلم و زورگویی روزافزون رژیم صهیونیستی و همراهی برخی حکام مستبد و فاسد و مزدور آمریکا با آن از یک سو و سربرآوردن مقاومت جانانه فلسطینی و لبنانی و پیروزی معجزه آسای جوانان مؤمن در جنگ های سی و سه روزه لبنان و بیست و دو روزه غزه از سوی دیگر، از جمله عوامل مهمی بودند

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

که اقیانوس به ظاهر آرام ملت‌های مصر و تونس و لیبی و دیگر کشورهای منطقه را به تلاطم درآوردند، انتفاضه اقصی، حتی در خارج از مرزهای جغرافیایی فلسطین، عموم ملت‌های مسلمان و عرب را به صحنه‌کشاند (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۹).

به هر تقدیر فلسطین یکی از محرک‌های اصلی نضج تفکر ایجاد امت واحده اسلامی است ضمن آنکه برخی از نویسندگان همچنین مسئله فلسطین را سرآغاز موج دوم بیداری اسلامی (۱۹۴۵-۱۹۷۹) می‌دانند (گنجی، ۱۳۸۸: ۹۴-۹۲).

۴- وجود حکومت‌های فاسد، غرب‌گرا و غیرمردمی

تأسیس و حمایت همه‌جانبه از حکومت‌های دست‌نشانده در تاریخ معاصر اسلام از سوی قدرت‌های استعماری دارای سابقه مشخص و طولانی است. پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال آن فروپاشی امپراطوری عثمانی، دولت‌های انگلستان و فرانسه سعی در تقسیم قلمرو ازهم‌پاشیده عثمانی، و تلاش کردند مهره‌های دست‌نشانده خود را در این منطقه حیاتی به قدرت برسانند که بسیاری از حکومت‌های امروزی از عربستان سعودی گرفته تا دولت هاشمی اردن و بسیاری از سرزمین‌های شمال آفریقا از جمله آن کشورها محسوب می‌شوند. وجود چنین حکومت‌هایی از سه جهت موجبات قیام ملت‌ها و بیداری اسلامی را فراهم آورده است: اول، ماهیت غیرمردمی این نوع حکومت‌ها که درنهایت آن‌ها را با بحران مشروعیت روبرو کرده است؛ دوم، وابستگی این حکومت‌ها به قدرت‌های غربی و شرقی که بحران هویت و تحقیر تاریخی را به توده‌های مردم تحمیل کرده و سوم فساد گسترده سیاسی، اقتصادی و اخلاقی که دامن‌گیر چنین نظام‌هایی شده است.

مقام معظم رهبری اگرچه بسیاری از حکومت‌های منطقه را رژیم‌های وابسته، فاسد و غیرمردمی می‌دانند، اما منشاء اصلی این مسئله را عقبه بین‌المللی این رژیم‌ها مطرح می‌کنند و نوک پیکان انتقادات خود را دست‌های آشکار و نهان بین‌المللی حامی چنین رژیم‌هایی متوجه کرده‌اند. ایشان در این باره اظهار می‌دارند:

ملت‌ها فقط مشکل‌شان این نیست که با این دیکتاتور مواجه‌اند. [یا

بهرام اخوان کاظمی، اللہ کرم مشتافی

فقط] با یک آدم مستبد مواجه‌اند، مشکیشان این است که این دیکتاتور عقبه‌ای از قدرت‌های بین‌المللی دارد، آن‌ها هستند که دارند منافع این کشور و این ملت را پایمال و نابود می‌کنند (بیانات، ۱۳۹۰/۲/۳)، ببینید امروز در دنیا علیه مسلمانان چگونه عمل می‌شود! این به خاطر آن است که در هر نقطه، جلادان مسلمانان فهمیده‌اند که دستگاه استکبار از فشار بر مسلمانان و قتل عام آن‌ها خشنود می‌شود؛ لذا آزادانه به مسلمین آسیب می‌رسانند، این وضعیت مسلمانان انقلابی در الجزایر است...، در کدام نقطه عالم است که مسلمانان از قبل خباثت استکبار جهانی و دستگاه سلطه جهانی به نحوی آسیب نبینند و فشار بر آن‌ها وارد نشود؟ علاج چیست جز ایستادگی خود مسلمانان (بیانات، ۱۳۷۱/۳/۱۳).

معظم‌له وجود شکاف عمیق میان ملت‌ها و دولت‌های غرب‌گرای منطقه را نیز پدیده‌ای می‌دانند که به واسطه وابستگی این حکومت‌ها به غرب ایجاد شده است (بیانات، ۱۳۸۹/۱۲/۲) و بر این اعتقادند که احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی مسلمانان در طول زمان به واسطه دیکتاتوری حاکمان فاسد منطقه و سلطه سیاسی آمریکا و غرب و حمایت آن‌ها از حکومت‌های دست‌نشانده پایمال شده است (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

افزون بر این، مردمی بودن قیام‌های اسلامی منطقه یکی از محوری‌ترین شاخصه‌هایی است که مقام معظم رهبری در بیشتر سخنرانی‌های خود (بیانات، ۱/۱ و ۳/۱۴ و ۱۳۹۰/۳/۲۶) - از جمله مورد زیر - به آن اشاره کرده اند:

مردمی بودن این انقلاب‌ها مهم‌ترین عنصر در تشکیل هویت آن‌ها است. قدرت‌های خارجی با آخرین توانایی‌ها و شگردهای خود سعی می‌کردند حکام مستبد و فاسد و وابسته را در این کشورها حفظ کنند و فقط هنگامی از حمایت آن‌ها دست برداشتند که قیام و عزم مردم، هیچ‌گونه امیدی برای آن‌ها باقی نگذاشت (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶)، آنچه که شما ملاحظه می‌کنید در مصر، در تونس، در

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

لیبی، در یمن، در بحرین و در برخی از کشورهای دیگر
اتفاق افتاده است، که مردم خودشان وارد صحنه شده‌اند، ملت‌ها
خودشان همت گماشته‌اند بر اینکه سرنوشت خودشان را در دست
بگیرند (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۹).

دست‌نشاندهای حکومت‌های بیشتر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نیز مسئله‌ای
است که مقام معظم رهبری در تحلیل چرایی اوج‌گیری بیداری اسلامی بر آن
تأکید داشته‌اند، از منظر ایشان؛ وابستگی و حکام دست‌نشانده آمریکا و غرب با ملت‌ها
کاری کردند که این ملت‌ها احساس کردند جز قیام، جز حرکت عظیم عمومی، جز انقلاب،
راهی در مقابل آن‌ها نیست (بیانات، ۱۳۹۰/۴/۹).

وابستگی مفرط حکومت‌های عربی - خاورمیانه‌ای به غرب علاوه بر تحقیری که به
ملت‌های این منطقه وارد آورده است، به واسطه نوع حکومتی بسته، غیرمردمی و غیرپاسخگو
با فسادهای گسترده مالی و اقتصادی همراه بوده است که به دنبال آن موجب گسترش فقر،
بیکاری و افزایش شکاف بین توده‌های فقیر و غنی شده است. تحلیل گران بر این اعتقادند
که در کارنامه رژیم‌های اقتدارگرا از زمان استقلال تاکنون در بیشتر کشورهای عربی
خاورمیانه، چیزی جز فقر گسترده، شکاف ژرف طبقاتی، کمبود نهادهای سیاسی، ضعف
جامعه مدنی، کم‌رنگی حضور فرد در جامعه و بی‌ثباتی فراگیر به چشم نمی‌خورد (دهشیار،
۱۳۹۰، ب: ۱۵). دکم‌جیان معتقد است، به‌طور تقریبی تمامی کشورهای عربی
عدم‌صلاحیت و سوء حکومت‌نخبگان، توزیع بد ثروت و فراهم‌بودن پول حاصل از
فروش نفت، شکاف میان طبقات اجتماعی را وسیع کرده و در همان حال فساد و
مصرف‌گرایی بی‌حد و حصری را میان فرمانروایان و عوامل آن‌ها رواج داده است
(دکم‌جیان، ۱۳۷۷: ۶۴). همچنان‌که «حسن نافع» پژوهشگر و استاد دانشگاه قاهره سه
مشخصه استبداد، فساد و وابستگی به آمریکا و اسرائیل را با درجات مختلف، وجه مشترک
بسیاری از حکومت‌های عرب می‌داند (سجادپور، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۹).

از لحاظ سیاسی نیز منطقه خاورمیانه عربی به شدت اقتدارگرایی، سلطانیسم و نظام
موروثی را تجربه کرده است. مطالعات نشان می‌دهند که کشورهای این منطقه هنوز حتی با

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

وضعیت نیمه‌دموکراتیک فاصله قابل توجهی دارند تا چه رسد به تثبیت یافتگی دموکراتیک (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۷-۸)؛ همچنین بخش اعظم احزاب فعال سیاسی ماهیت شکلی دارند. تاکنون در هیچ انتخاباتی یک رئیس‌جمهور عرب از قدرت کنار نرفته‌است. همچنان موانع آشکاری در برابر مجالس این کشورها پیش‌بینی نشده و فرد محوری در فرایند تصمیم‌گیری در جهان عرب همچنان غلبه دارد (یوسف احمد، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

بر اساس همین معیارها مقام معظم رهبری، ضدیت با استبداد و تسلیم‌نشدن در مقابل آن را یکی از ارکان قیام‌های اسلامی منطقه دانسته (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶) و بر این باورند:

ملت‌های انقلاب‌کرده و آزادشده، یکی از مهم‌ترین خواسته‌هایشان حضور و نقش قاطع مردم و آرائشان در مدیریت کشور است، و چون مؤمن به اسلامند، پس مطلوب آنان نظام مردم‌سالاری اسلامی است؛ یعنی حاکمان با رأی مردم برگزیده می‌شوند و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه، اصول مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است (بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

نتیجه‌گیری

بیداری اسلامی عنوانی است که بنا به دلایل فرهنگی، تمدنی، هویتی، اجتماعی و دینی به حوادثی که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را دستخوش تحولات و دگرگونی‌های گسترده‌ای کرده‌ای‌گفته می‌شود. تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا همانند تمامی تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی ریشه در واقعیات تاریخی، تمدنی، فرهنگی و هویتی دارند.

در پژوهش حاضر ریشه‌های تحولات منطقه در دو گروه عمده عوامل درون‌زا (عواملی که با فرد انسانی، خود و ناخودآگاه انسان مسلمان در ارتباط بوده و طی فرایندی از نسل‌های گذشته به وی منتقل می‌شود) و عوامل برون‌زا (عواملی که از خارج از فرد و اندیشه او نشأت می‌گیرد و یک حادثه مشخص آن را می‌تواند ایجاد کند)، با روش تحلیل اسنادی بررسی شد. همچنین موضوع ماهیت پدیده بیداری اسلامی و علل موجد آن با رهیافت یادشده، از منظر مقام معظم رهبری و سپس پاره‌ایی از صاحب‌نظران مسلمان و

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

غربی، و نیز با پاسخ به پرسش‌های مطروحه، مدعا و مفروض ارائه شده بررسی شد. در این راستا ضمن تبیین مفهوم، ماهیت و ریشه‌های پدیده بیداری اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، عواملی همچون شکست الگوهای غیراسلامی و رشد اسلام‌خواهی، احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی، تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری و جهادی و جریان‌ساز اسلامی ذیل ریشه‌ها و عوامل درون‌زا؛ و مواردی از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران، پیشینه استعماری و حضور قدرت‌های غربی در منطقه، بحران فلسطین، وجود حکومت‌های فاسد، غرب‌گرا و غیرمردمی تحت عنوان عوامل برون‌زا بررسی شدند و تأثیر انکارناپذیر آن‌ها بر ظهور و پاگیری جریان بیداری اسلامی تبیین شد و این نکته در استدلال واضح شد که این پدیده و عوامل موجد آن، موضوعی محدود به حوادث یکی دو سال اخیر در برخی کشورهای مسلمان عربی نیست، بلکه قدمتی همپای جنبش‌های اسلامی در یک قرن و نیم اخیر دارد و می‌بایست بیداری اسلامی فعلی را به‌عنوان محصول این جنبش‌ها و در ذیل آن‌ها و با نگرشی اسلامی و نه غربی بررسی کرد.

منابع

۱- منابع فارسی

- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۶)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: انتشارات باز.
- اسدی، علی و طهمورث غلامی (بهار ۱۳۹۰)، «واکاوی بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال ۲۵، شماره ۲۸۳، صص ۶۰-۴۰.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، *القاعده از پندار تا پدیدار*، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- الغنوشی، راشد (۱۳۷۲)، *حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلامی*، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران: موسسه اطلاعات.
- امه‌طلب، مصطفی (۱۳۸۶)، «غفلت غربی و بیداری اسلامی: دو حرکت متعارض در دنیای معاصر»، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، شماره ۱۲، تابستان، صص ۱۵۸-۹۱.
- پاشاپور، حمید (۱۳۸۲)، *نهضت‌های اسلامی؛ بازیگران جدید نظام بین‌الملل*. تهران:

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتاقی

مؤسسہ اندیشہ سازان نور.

- حسنین ہیگل، محمد (۱۳۶۲)، *ایران: روایتی کہ ناگفتہ ماند،* ترجمہ حمید احمدی، تهران: انتشارات الہام.

- حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۸۷)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی.* تهران: پژوهشگاہ فرهنگ و اندیشہ اسلامی.

- دکمچیان، ہرایر (۱۳۷۷)، *اسلام در انقلاب: جنبش های اسلامی در دنیای عرب،* ترجمہ حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان

- دہشیار، حسین (۱۳۹۰، الف)، «بہار عربی: شورش بر مدرنیته وارداتی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال ۲۵، بہار ۱۳۹۰، شمارہ ۲۸۳، صص ۱۱-۴.

- دہشیار، حسین (تابستان ۱۳۹۰، ب)، «جہان عرب: بنیادہای داخلی و بین المللی؛ بی ثباتی پردازمانہ». *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال ۲۵، شمارہ ۲۸۴، صص ۱۸-۴.

- سجادی پور، محمد کاظم (۱۳۹۰)، «گزارش ہشتمین اجلاس خاورمیانہ مؤسسہ کوربر»، *ماہنامہ رویدادہا و تحلیل ہا*، سال ۲۵، شمارہ ۲۵۵، صص ۲۳-۱۷.

- سعید، بابی (۱۳۷۹)، «ہراس بنیادین: اروپامداری و ظہور اسلام گرایی»، ترجمہ غلامرضا جمشیدیہا و موسی عنبری، تهران: مؤسسہ چاپ و انتشارات وزارت امور خارجہ.

- سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸)، «موانع عدم پیشبرد دموکراسی سازی در شیخ نشین های خلیج فارس»، *فصلنامہ مطالعات خاورمیانہ*، شمارہ ۵۹-۵۸، صص ۳۲-۵.

- صدیقی، کلیم (۱۳۷۹)، *نہضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران*، ترجمہ ہادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات سیاسی و اقتصادی.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، *روابط بین الملل، نظریہ ہا و رویکردها*، تهران: سمت.

- کیل، ژیل (۱۳۸۲)، *پیامبر و فرعون*، ترجمہ حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم

- گنجی، عبداللہ (۱۳۸۸)، *موج سوم بیداری اسلامی*، تهران: مؤسسہ مطالعات اندیشہ سازان نور.

- لوئیس، برنارد (۱۳۸۴)، *مشکل از کجا آغاز شد؟ تأثیر غرب و واکنش خاورمیانہ.* ترجمہ شہریار خواجیان، تهران: نشر اختران، چاپ اول.

- مطہری، مرتضی (۱۳۷۷)، *نہضت های صدسالہ اخیر*، تهران: انتشارات صدرا.

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۷)، «جهانی شدن امپریالیسم فرهنگی و اسلام سیاسی در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۵۵-۵۴، صص ۹۴-۶۵.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی، تهران: بی نا.
- ولترنیگ، رابرت (۱۳۸۴)، «ریشه‌های محبوبیت اسلام‌گرایان»، ترجمه سعید گلکار. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴۲، صص ۱۲۶-۱۱۱.
- یوسف‌احمد، احمد (۱۳۸۰)، «جهان عرب در ابتدای قرن بیست و یکم»، ترجمه محمود موسوی بجنوردی. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۷، صص ۱۳۴-۱۱۳.

منابع لاتین

- Menashri, David. (1990). *The Iranian Revolution and the Muslim World*. England: West view Press.

سایت‌ها

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با کارگزاران نظام و قشرهای مختلف مردم (۱۳۸۴/۶/۱۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی (۱۳۹۰/۶/۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع سفرا و نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور (۱۳۹۰/۱۰/۷)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در حرم مطهر رضوی (۱۳۹۰/۱/۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در خطبه عربی نماز جمعه (۱۳۸۹/۱۱/۱۵)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان نظام در روز عید مبعث (۱۳۹۰/۴/۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

بهرام اخوان کاظمی، الله کرم مشتافی

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با معلمان و کارگران (۱۳۸۲/۲/۱۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت بیستمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۸۸/۳/۱۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار پایگاه نیروی دریایی ارتش در بندرعباس (۱۳۹۰/۵/۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- خطبه نماز عید فطر (۱۳۸۷/۷/۱۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر اکرم (ص) (۱۳۸۹/۱۲/۲)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، (۱۳۹۰/۷/۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) (۱۳۷۱/۳/۱۳)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در حرم مطهر حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۹۰/۳/۱۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی (۱۳۹۰/۶/۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان نظام در روز مبعث پیامبر اکرم (ص) (۱۳۹۰/۴/۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر در سالروز عید مبعث (۱۳۷۰/۱۱/۱۳)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از دانشجویان (۱۳۹۰/۵/۱۹)، پایگاه

بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری

- اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از شعرا (۱۳۹۰/۵/۲۴)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) (۱۳۸۸/۳/۱۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با کاغزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی (۱۳۸۴/۲/۶)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه (۱۳۸۳/۵/۲۵)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی (۱۳۹۰/۶/۲۶)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر اکرم (ص) (۱۳۹۰/۱۲/۲)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مردم فارس (۱۳۹۰/۲/۳)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع بسیجیان استان کرمانشاه (۱۳۹۰/۷/۲۲). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>
- پیام رهبر انقلاب اسلامی به کنگره عظیم حج (۱۳۸۸/۹/۵) (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری): <http://www.leader.ir>.

Islamic Awakening and Its Reasons With Special Emphasis on the Viewpoints of the Leader of Islamic Revolution of Iran

Bahram Akhavan Kazemi ^{1*}
Allahkaram Moshtaqi ²

Received on: 01/12/2013
Accepted on: 06/17/2013

Abstract

The main thrust of the present paper is to find out the internal and external reasons behind the current Islamic awakening from the viewpoint of the Leader of Islamic Revolution, Ayatollah Seyed Ali Khamenei. Besides the viewpoints of Ayatollah Khamenei, the approaches of others too have been discussed. Among the findings of the present research is that due to historical, cultural and identity considerations, the term Islamic awakening is more capable of becoming a framework for analysis of the developments in the Middle East and North Africa. Meanwhile, both internal and external factors are behind the recent developments. The internal factors include such issues as the failure of the non-Islamic models, growth of Islamism, frustration of the masses as well as the attempts of the intellectual figures and freedom fighters and Islamicization. External factors include such issues as the victory of the Islamic Revolution of Iran, colonial backgrounds, the presence of foreign powers in the region, the Palestinian crisis and corrupt, West-oriented and unpopular governments.

Keywords: Islamic Awakening, Ayatollah Khamenei, Islamic identity, Islamic Revolution of Iran

1* . Associate Professor of Political Science at Shiraz University,
(Corresponding Author: kazemi@shirazu.ac.ir)

2. M.A. Student of Middle East and Northern Africa Studies, Ministry of Foreign Affairs, School of International Relation.